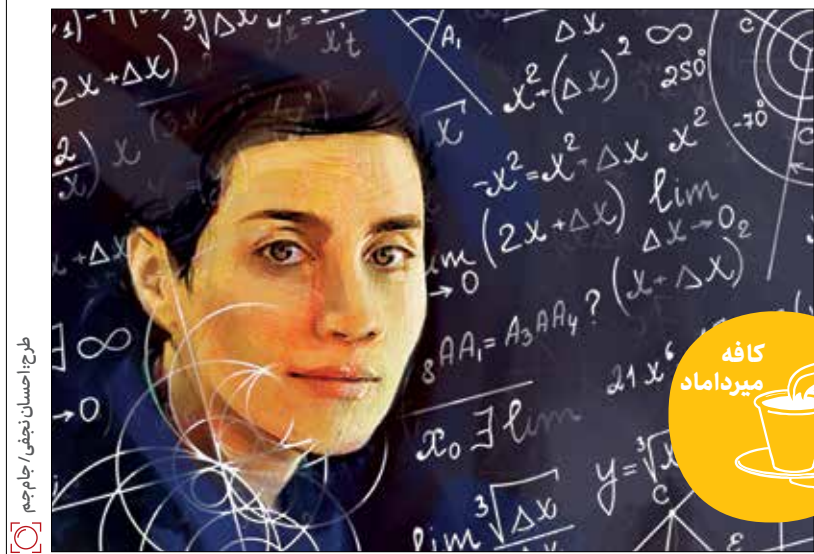


<p>روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامى ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدى عرفاتى</p>	
<p>حديث روز:</p> <p>امام سجاده(ع)، مؤمن سكوت مي‌كند تا سالم ماند و سخن مي‌گويد تا سود برد.</p>	
<p>واحه:</p> <p>عاشقى وي نوايي كار ماست كار كار ماست چون او يار ماست</p>	
<p>اوقات شرعى:</p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۱۰ اذان مغرب: ۲/۴۴ اذان صبح (فردا): ۴/۱۷ غروب آفتاب: ۲/۲۱ نیمه شب شرعى: ۰۰/۱۹ طلوع خورشید(فردا): ۶/۰۰</p>	
<p>وضعيت آب و هواي امروز</p> <p>تهران ۳۷ / ۲۵ اراك ۳۷ / ۱۷ ايلام ۳۵ / ۲۱ بندرعباس ۳۷ / ۳۲ تبريز ۲۹ / ۱۹ سمنان ۳۷ / ۲۸ سندج ۳۹ / ۱۷ گرگان ۳۱ / ۲۱</p>	
<p>چهارشنبه ۲۳ تير ۱۴۰۰ ذى الحجه ۱۴۴۲ ۲۱ صفحه سال بيست و دوم - شماره ۵۹۸۷ استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - ديگر استان ها ۱۵۰۰ تومان Wednesday - July 14, 2021</p>	



مرد سرمایه دار و باجناق

یک سرمایه دار بزرگ که علاوه بر سایر فعالیت‌های اقتصادی، در بورس نیز فعالیت می‌کرد و به‌طور عمده به خرید و فروش سهام مشغول بود، روزی در دفتر کار خود مشغول فعالیت‌های اقتصادی بود که باجناقش سرزده به دفتر وی آمد. سرمایه‌دار بزرگ به باجناقش خوشامد گفت و همان‌طور که از وی پذیرایی می‌کرد فعالیت‌های اقتصادی خود را نیز به‌طور تلفنی انجام می‌داد. وی در میان فعالیت‌های خود تلفنی به کارگزار خود گفت هر قدر می‌تواند از سهام شعضفنا بخرد. در این لحظه باجناق سرمایه‌دار بزرگ که جای و بیسکویتش را خورده بود، با سرمایه‌دار بزرگ خدا حافظی کرد و از دفتری بیرون آمد و از آنجاکه می‌دانست وی گرگ بازار است و حرفی که می‌زند روی حساب است، در اسرع وقت تمام سرمایه خود را تبدیل به پول و وارد بورس کرد و هر چه می‌توانست سهام شعضفنا خرید. پس از چند هفته سهام شعضفنا به شدت سقوط کرد و سرمایه باجناق مرد سرمایه‌دار به پشگل تبدیل شد. فردای آن روز باجناق مرد سرمایه‌دار به دفتر مرد سرمایه‌دار رفت و گفت: من فکر می‌کردم تو گرگ بازار هستی. مرد سرمایه‌دار گفت: چطور؟ باجناق گفت: وقتی آن روز به کارگزار خود گفתי سهام شعضفنا را بخرد، من به خیال این‌که شم اقتصادی خوبی داری و فعالیت‌های اقتصادی‌ات از روی حساب است، تمام سرمایه خود را به خرید داری و فعالیت‌های خود را سهام شعضفنا خریدم اما در نهایت این‌طور شد. مرد سرمایه‌دار گفت: خاک بر سرت. به خیال خودت زنگی کردی اما نمی‌دانستی من وقتی به کارگزار خود می‌گویم چیزی را بخرد معنی آن این است که بفروشد و وقتی می‌گویم بفروشد معنی آن این است که بخرد. باجناق که متوجه اشتباه خود شده بود گفت: واقعا خاک بر سرم. وی افزود: حالا من چکار کنم؟ مرد سرمایه‌دار گفت: از رئیس جمهور بپرس. باجناق گفت چشم و رفت تا از رئیس جمهور بپرسد. از مکالمه احتمالی باجناق مرد سرمایه‌دار رئیس جمهور تا این لحظه اطلاعی در دست نمی‌باشد.



خانواده الگو

سیانلو می‌گوید: منش خانواده و والدین در قبال فرزندان مهم‌ترین شاخصه‌ای است که باعث موفقیت یا شکست فرزندان می‌شود. به‌نظم خانواده بالاتر از سیستم آموزشی قرار دارد. این‌که والدین چقدر امکان رشد و پرورش استعداد های فرزند خود را به وجود می‌آورند و به او انتخاب‌هایش احترام گذاشته و از آنها حمایت می‌کنند، در موفقیت افراد بسیار مهم است. اگر قرار باشد خانواده‌ای را به عنوان الگو به جامعه معرفی کنیم به‌نظم خانواده میرزاخان‌ی این ظرفیت را دارند. می‌توان ساعت‌ها با پدر مریم میرزاخان‌ی صحبت کرد و از او پرسید پدر یک دانشمند بودن چگونه است و چطور در همه مراحل زندگی از دختر خود حمایت کرده و با نوع رفتار خود بعد از فوت دخترش هم به او بها داد و حامی اندیشه و سبک زندگی او بود.

مستعد و نخبه در کشور ما وجود دارند که هرگز به توانمندی‌های آنها پی برده نمی‌شود و هرگز با آدمی‌که مسیر زندگی آنها را تغییر دهد، مواجه نخواهند شد. **همه نخبه نیستند** به سیانلو می‌گویم زمانی که خانم میرزاخان‌ی جایزه فیلدز را گرفت و سالی که فوت کرد، برای روزهای زیادی در صدر اخبار قرار گرفت و خیلی از خانواده‌های ایرانی به فرزندان‌شان گفتند او را الگوی خود قرار دهند، آیا می‌توان شخصیتی مثل میرزاخان‌ی را به عنوان الگو معرفی کرد؟ می‌گوید: شخصیت این دانشمند پر از ظرایف و نکاتی است که می‌تواند به عنوان الگو مطرح شود؛ مهربانی، ساده‌زیستی، فروتنی و از همه مهم‌تر پشتکاری که داشته. درباره اینها می‌توان صحبت کرد و به جوانان و نوجوانان گفت از این ویژگی‌ها الگو بگیرند اما باید قبول کنیم هر فردی استعداد های خاص خود را دارد و نمی‌توان انتظار داشت مثلا همه ورزشکار مدال‌آور یا نخبه ریاضی شوند یا در عرصه هنری بدرخشند. اگر از همه بخواهیم نخبه باشند نه امکان پذیر است و نه نتیجه مثبتی خواهد داشت.

قبل مقایسه کنید. در ایران یک قرن قبل مدارس دخترانه به‌تعداد انگشتان یک دست هم نبود اما الان بسیار زیاد است. این را می‌توان درباره دانشگاه‌ها هم گفت و دیگر مراکز علمی، پزشکی، صنعتی و... وقتی تعداد تحصیلکرده‌ها و دانش‌آموختگان دختر برابر و حتی گاهی بیشتر از پسران می‌شود، باید توقع داشت تعداد نخبگان و مدال‌آوران زن نیز خیلی زیاد باشد. اما آیا تعدادشان زیاد است؟ نه! زیاد نیست و برای رسیدن به تعادل باید سیستم آموزشی تغییر کند و روز شود و برای همگان در هر جای ایران یکسان باشد. عدالت آموزشی، استعدادیابی سراسری و کمک به بروز استعداد ها نیازی است که اگر به آن توجه شود، درخشش نخبگان ایرانی در داخل و خارج خیلی بیشتر خواهد شد. آن‌طور که من خوانده‌ام، زنده‌یاد مریم میرزاخان‌ی در مواجهه با یکی از معلمانش به ریاضی علاقه‌مند شد و در مسیری قرار گرفت تا بتواند استعداد و توانمندی خود را بروز دهد. سوال اینجاست چه تعداد دختر و پسر

گفت‌وگو با ندا سپانلو، مدیر گروه دانش شبکه ۴ در سالروز درگذشت زنده‌یاد مریم میرزاخان‌ی

دنیا هنوز به او می‌نگرد

یک «زن دانشمند» بود، نخبه‌ای که مسائل مهم ریاضی را حل می‌کرد و افتخارات زیادی را به‌دست آورده بود. اولین زن دانشمندی بود که جایزه فیلدز را از آن خود کرد. قبل از او هیچ زن دانشمندی نتوانسته بود این جایزه را به خانه ببرد و معلوم نیست چند سال دیگر نوبت زن بعدی باشد. او عضو آکادمی ریاضیات آمریکا هم بود که عضو شدن در آن کار هر کسی نیست. این‌که جهان و علاقه‌مندان هر کسی نتوانستند، خبرنگاران و اهالی رسانه را از او دور کرده‌اند تا دچار هیجان و تنش زیاد نشود. همه ما می‌دانیم او اولین زنی است که این جایزه را از آن خود کرده آن هم در حوزه ریاضیات که حتی در دنیای امروز بسیار مردانه است. بارها تصاویر را نگاه کرده‌ایم و به چهره محجوب او با آن لبخند همیشگی زل زده‌ایم و بالا رفتن توام با طمانینه او را از پله‌ها نگاه کرده‌ایم. لحظه دریافت مدال فیلدز را به یاد سپرده‌ایم و همیشه هم این سؤال را از خود و اطرافیان مان پرسیده‌ایم چرا گاهی مرگ اصلا وقت شناس و آدم شناس نیست. ۴۰ سالگی برای رفتن زنی جوان، پر از شور زندگی و ملو از هیجان برای کشف و استعدادی درخشان خیلی زود بود اما جواب همیشه یکسان است: تنها اتفاق ناگزیر بشر، مرگ است. می‌آید و می‌برد بدون هیچ توضیحی. امروز چهار سال است که مریم میرزاخان‌ی از خاک به آسمان رفته. در این سال‌ها درباره او بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و اکنون او را بیشتر مردمان می‌شناسند. میرزاخان‌ی اگر امروز بود حتما لبخندش عمیق‌تر می‌شد وقتی پیشرفت‌های چشمگیر زنان ایرانی در همه حوزه‌ها را می‌دید و می‌شنید. از ورزش گرفته تا دانشگاه و حوزه‌های علمی و کارآفرینی. زنان ایرانی چندین سال است، حرفی برای گفتن دارند و نام‌شان معمولاً در صدر است. با ندا سپانلو، مجری تلویزیون و مدیر گروه دانش شبکه چهار هم صحبت شدیم تا برایمان از مریم میرزاخان‌ی بگویید و دیگر افتخاراتی که زنان ایرانی مسبب آنها هستند.

■ **معیار به نام متوسط جامعه** بانگاهی به مدال‌هایی که زنان ایرانی در رشته‌های مختلف در عرصه جهانی دریافت می‌کنند می‌توان به این نتیجه رسید که آینده زنان نخبه ایرانی امیدارکننده است اما بپذیریم که این مدال‌آوران معمولاً در سیستم گلخانه‌ای شناسایی و پرورش می‌یابند. بیشتر امکانات برای برتر شدن آنها مهیا شده و آنان می‌توانند استعداد و توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشته و مدال کسب کنند. اما آیا واقعا برای همه زنان و دختران ایرانی امکان رشد فراهم است؟

آیا استعدادیابی در کشور ما آنقدر کامل و فراگیر است که اگر دختر مستعدی در روستایی دورافتاده زندگی کند استعداد و توانایی او در فیزیک یا ریاضی یا ورزش را شناسایی کرده و به او امکان رشد و موفقیت بدهد؟ من می‌گویم: نه! این امکان برای همه زنان و دختران و حتی پسران وجود ندارد. زمانی ما می‌توانیم مدعی شویم زنان ایرانی پیشرفت‌های چشمگیری دارند و گوی سبقت را ربوده‌اند که نظام آموزشی درست کار کند و استعدادیابی در آن فراگیر و علمی و بدون تبعیض باشد.

■ **استعدادیابی باید عادلانه شود** این‌که زنان ایرانی در ورزش، فرهنگ و هنر، علم، دانشگاه و کارآفرینی موقعیت‌های خوبی دارند، قابل انکار نیست اما اگر بخواهیم واقع‌بینانه و علمی‌نگاه کنیم باید تعداد مدارس دخترانه اکنون را با ۱۴۰ سال

■ **طاهره آشنایی** روزنامه‌نگار

حالا به مدد فیلم‌های مستندی که دیده‌ایم و مطالبی که درباره زنده‌یاد مریم میرزاخان‌ی خوانده‌ایم، می‌دانیم در سال ۲۰۱۴ که او به ستول رفت تا معتبرترین جایزه ریاضی یعنی مدال فیلدز را دریافت کند، می‌دانست مبتلا به سرطان است. چند نفر از دانشمندان و همکاران او نیز باخبر بودند، برای همین تا جایی‌که می‌توانستند، خبرنگاران و اهالی رسانه را از او دور کرده‌اند تا دچار هیجان و تنش زیاد نشود. همه ما می‌دانیم او اولین زنی است که این جایزه را از آن خود کرده آن هم در حوزه ریاضیات که حتی در دنیای امروز بسیار مردانه است. بارها تصاویر را نگاه کرده‌ایم و به چهره محجوب او با آن لبخند همیشگی زل زده‌ایم و بالا رفتن توام با طمانینه او را از پله‌ها نگاه کرده‌ایم. لحظه دریافت مدال فیلدز را به یاد سپرده‌ایم و همیشه هم این سؤال را از خود و اطرافیان مان پرسیده‌ایم چرا گاهی مرگ اصلا وقت شناس و آدم شناس نیست. ۴۰ سالگی برای رفتن زنی جوان، پر از شور زندگی و ملو از هیجان برای کشف و استعدادی درخشان خیلی زود بود اما جواب همیشه یکسان است: تنها اتفاق ناگزیر بشر، مرگ است. می‌آید و می‌برد بدون هیچ توضیحی. امروز چهار سال است که مریم میرزاخان‌ی از خاک به آسمان رفته. در این سال‌ها درباره او بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و اکنون او را بیشتر مردمان می‌شناسند. میرزاخان‌ی اگر امروز بود حتما لبخندش عمیق‌تر می‌شد وقتی پیشرفت‌های چشمگیر زنان ایرانی در همه حوزه‌ها را می‌دید و می‌شنید. از ورزش گرفته تا دانشگاه و حوزه‌های علمی و کارآفرینی. زنان ایرانی چندین سال است، حرفی برای گفتن دارند و نام‌شان معمولاً در صدر است. با ندا سپانلو، مجری تلویزیون و مدیر گروه دانش شبکه چهار هم صحبت شدیم تا برایمان از مریم میرزاخان‌ی بگویید و دیگر افتخاراتی که زنان ایرانی مسبب آنها هستند.

■ **زن دانشمند ایرانی در صدر** سپانلو درباره ویژگی‌های منحصربه‌فرد میرزاخان‌ی که او را از بقیه متمایز کرده، می‌گوید: خانم میرزاخان‌ی در وهله اول یک دانشمند بود. یک نابغه که در علوم پایه مانند ریاضی، مثلثات و هندسه سرآمد بود و بالاتر از دیگر دانشمندان این حوزه قرار داشت. بعد از این زاویه به او نگاه می‌کنم که او



■ **جریمه بی‌انصافی** شما که این روزنامه را می‌خوانید، حتما از احوال رسانه‌ها باخبرید. اگر نسخه فیزیکی روزنامه را در دست دارید حتما نسخه چاپی یکی دو روزنامه دیگر را هم دیده‌اید. اگر هم نسخه

الکترونیکی آن را می‌خوانید، حتما به چند سایت خبری و خبرگزاری دیگر هم سرک کشیده‌اید. حتما تا الان برایتان پیش آمده که یک مطلب را در چند منبع مختلف بخوانید. با انصاف‌ترها و قانونمدارترهایشان جایی در بازنشر مطلب نوشته‌اند به نقل از فلان‌جا و نوشته فلان کس. بی‌انصاف‌ترهایشان هیچ‌ردی از نویسنده و ناشر مطلب نیاورده‌اند و مخاطب را گذاشته‌اند که فرض کند این مطلب رسانه خودشان است. حتی اگر رسانه‌های رسمی و غیررسمی را هر روز بررسی نکنید هم حتما این اتفاق را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دیده‌اید. این که یک کاربر در یک گوشه دنیا ویدیویی می‌سازد و به اشتراک می‌گذارد و در این طرف دنیا یک رسانه رسمی برمی‌دارد لوگوی خودش را می‌زند بالای تصویر و بازنشر می‌کند بعد از آن هم رسانه‌های دیگری همان ویدیوی لوگودار را برمی‌دارند و لوگوی خودشان را می‌زنند کنار لوگوی آن یکی رسانه و دوباره پخش می‌کنند. از این بازنشرهای غیراصولی سیستماتیک بگریز مردم عادی که همین‌طوری از متنی که یک نویسنده در صفحه‌اش منتشر کرده خوش‌شان می‌آید و بدون ذکر منبع در صفحه خودشان کپی می‌کنند.

به تازگی دولت فرانسه، شرکت آمریکایی گوگل را به پرداخت غرامت گراف به رسانه‌ها و تولیدکنندگان محتوای فرانسوی متهم کرده و دو ماه هم مهلت داده گوگل این جریمه ۶۰۰ میلیون دلاری را پرداخت کند. جرم گوگل چه بوده؟ بازنشر مطالب! کاری که وظیفه گوگل است اما فرانسه مدعی شده گوگل در تعامل با سازندگان محتوای فرانسوی جانب انصاف را رعایت نکرده و این جریمه نه برای بازنشر غیرقانونی و بدون منبع بلکه صرفاً برای بی‌انصافی است. بگذریم، همین‌طور که هر روز بین روزنامه‌ها و سایت‌های خبری رسمی و غیررسمی می‌گردید خواستم یادآور شوم از این به بعد وقتی یک مطلب را در چند منبع دیدید، جدا از این‌که نام نویسنده و منبع اصلی ذکر شده یا نشده باشد، به انصاف رسانه فکر کنید.

گرانی هزینه درمان به مرز هشدار رسیده

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران با هشدار نسبت به ناپسامانی مدیریت درمان کشور گفت: روزانه بیماران بسیاری به دلیل ناتوانی مالی و عجز از پرداخت هزینه‌های بیمارستانی از درمان خود ناامید شده و این موضوع باعث تشدید امراض و در نهایت مرگ آنها می‌شود.

دکتر عارفی به جام‌جم گفت: اغلب مراجعه‌کنندگان بیمارستان‌های دولتی اقبال آسب‌پذیرند که درآمدشان به‌مراتب پایین‌تر از خط فقر است و گریزان بودن آنها از تامین هزینه‌های پزشکی و پذیرش نشدن در مراکز درمانی در موارد بسیاری باعث مرگ آنها می‌شود. امروزه تخت‌های بیمارستان به دلیل ناتوانی بیماران در پرداخت هزینه‌ها خالی است و این موضوع آنقدر شایع‌شده که تصور می‌کنیم اصلا بیماری وجود ندارد در حالی‌که گرانی هزینه‌های درمان باعث این اتفاق شده است. (صفحه ۱۳)

هزینه تعریض تونل کندوان چند؟

مهندس محمود صرافین به جام‌جم گفت: هزینه تعریض تونل کندوان ابتدا دو میلیارد تومان عنوان شده بود در حالی که سال گذشته مطرح شد تاکنون ۲۹ میلیارد ریال هزینه شده و برای اجرای کامل آن به ۳۰ میلیارد ریال دیگر نیاز است؛ بنابراین هزینه تعریض تونل کندوان ۶۰ میلیارد ریال خواهد شد. قرار بود این تونل بعد از تعریض که شش سال طول خواهد کشید، شهریور سال ۷۹ بازگشایی شود اما تاکنون خبری از بازگشایی نشده و معلوم نیست کی این اتفاق رخ دهد. (صفحه ۴)

ژاپنی‌ها نقاشی کودکان ایرانی را پسندیدند

نقاشی‌های سه کودک ایرانی در دهمین مسابقه بین‌المللی نقاشی کودکان در ژاپن برگزیده شدند. در دهمین دوره این مسابقات که توسط بنیاد صلح جهانی و محیط زیست ژاپن با همکاری سازمان ملل برپا شده بود ۱۲ هزار و ۶۰۰ نقاشی از ۵۹ کشور جهان رقابت کردند. آثار سارا سلیمانی ۱۱ساله، علیرضا حیدری ۹ساله و سحر رضوانیه ۱۱ساله از ایران در این جشنواره برگزیده شدند. (صفحه ۱۶)



خرید گران منچستر یونایتد

تیم فوتبال منچستر یونایتد قهرمان حرفه‌ای انگلستان برای فصل جدید خود خوان ورون آرتانتینی را در اختیار گرفت. منچستر که اسال برای قهرمانی در لیگ اروپا دست به خریدهای گران زده برای در اختیار گرفتن ورون حاضر به پرداخت ۲۸ میلیون پوند شده است؛ رقمی که در تاریخ نقل وانتقالات انگلستان بی‌سابقه است. تا به حال رکورد گران‌ترین بازیکن انگلیس در اختیار فان نیستل روی هلندی بود که با ۱۹ میلیون پوند به اولدترافورد پیوسته بود. (صفحه ۱۵)

لوکاس هشدار داد

جورج لوکاس به دوستداران مجموعه فیلم جنگ‌های ستاره‌ای هشدار داد. عده‌ای از دوستداران قسمت چهارم این مجموعه فیلم قصد دارند فیلم «تهدید شیخ» را با تدوین تازه‌ای وارد بازار کنند. جورج لوکاس در سایت رسمی فیلم به این گروه هشدار داد که دست به چنین کاری نزنند. وی رسماً گفت اگر فردی یا گروهی دست به چنین کاری بزند از طریق قانونی علیه آنها شکایت خواهد کرد. فیلم تهدید شیخ دو سال قبل روی پرده رفت و حدود ۴۰۰ میلیون دلار در آمریکا فروش کرد. فیلمبرداری قسمت پنجم تمام شده و به‌زودی اکران می‌شود. (صفحه ۳)